آینده امید بخش

صفا، ذبیح الله

زبان فارسی در روزگار معاصر دستخوش تحولی عظیم و عمیق است.مراد من از این«تحول»مطلقا آن نیست که راه مبالغه پیش‏گیرم و مدعی انحطاط و پریشانی و درهم ریختگی زبان پارسی گردم.تحول و تغییر،همانقدر که با بیم انحطاط و پریشانی‏ همراهست میتواند با نوید ترقی و پیشرفت نیز همدوش باشد.بنظر من وضع زبان‏ فارسی در تغییر و تحول پردامنه‏یی که امروز دارد بیشر از برکات ترقی برخوردارست‏ تا از درکات انحطاط.کسانی که دم از فساد زبان و نابسامانی کار آن میزنند ظاهرا همه جوانب امور را بنیکی ننگریسته‏اند.شاید مثلا ایرانیان معاصر از عهدهء ترسل‏ چنانکه در روزگاران پیشین بود بر نیایند و یا نثر مصنوع را بشیوهء پیشینیان درست‏ ننویسند و یا اطلاع آن از واژه‏های متروک تازی و پارسی بمیزان آگهی نیاکان ما نباشد،اما در عوض یک نویسندهء معاصر پارسی‏گوی نیروی جولان در میدانهای‏ وسیعتری از عقاید و آراء و افکار دارد که پیشینیان ما از غالب آنها مطلقا بی‏خبر بوده‏اند و یا وسایل کار او در بیان مختلف،اگرچه دشوار و غامض باشد،خیلی‏ زیادتر از آنست که در میان قدما ملاحظه می‏کنیم.

تنوع مطالب در نثر امروز از مسائلی است که در تاریخ ادبی ایران کمتر میتوان بدان بازخورد.مهمترین امری که در ایجاد تنوع مؤثر شده ورود نثر است‏ ببازار اجتماع.در ایام سالف آثار مکتوب بیشتر منتسب بدستگاههای حاکمه بود و بدان قصد تهیه میشد که مورد قبول زورمندان و بزرگان جامعه باشد و یا کتبی‏ بود که برای طبقات معینی از قبیل صوفیان و اهل مدرسه نوشته شود.پیداست که در اینگونه کتابها انگیزه‏یی برای جلب توجه عموم وجود نداشت و یا اگر کتابی باین‏ مزیت نوشته میشد کم و انگشت شمار بود اما از آنروز که با اعلام حکومت مشروط امتیازات طبقاتی راه افول گرفت و تمرکز ثروت در دست امرا و حکام طریق سستی‏ سپرد،طبعا نثر وسیلهء بیان افکار و مقاصدی گردید که در جامعه خریدار داشت و ازینروی بتناسب رشد جامعه اندک‏اندک موضوعات مختلفی که مورد توجه طبقات‏ گوناگون اجنماعست در آن بکار رفت.

روزنامه‏نگاری که در دورهء مشروطیت تا روزگار ما بنحو خاصی در ایران‏ شیوع یافته است وسیلهء خوبی برای نگارش و ترجمهء متنوع بزبان سادهء روان‏ گردید و اگرچه نثر را از مقام والائی که در نظر اهل مدرسه داشت پائین آورد ولی‏ بآن سادگی و روانی خاصی بخشید و از غموض و اشکالی که بسالیان در آن راه جسته‏ بود بیمزان بسیار کاست.

میدانیم که در آغاز کار و باید گفت تا مدتی دراز از دورهء حکومت مشروط که‏ هنوز ثمرهء تدریس فنون فارسی در مدارس بعنوان مادهء درسی خاص گرفته نشده‏ بود،نثر فارسی بصورت منحطی در روزنامه‏ها و ادارات و بین مردم معمول بود.نویسندگان‏ این دوره بر دو دستهء اصلی تقسیم میشدند:دسته‏یی که هنوز از تر بیت مترسلان متأثر بوده و بهمین سبب شیوهء آنان در نویسندگی مطبوع ولی شمارهء آنان بسیار کم و انگشت‏ شمار بود؛و دسته‏یی دیگر که بی‏مطالعهء آثار گذشتگان و بیشتر تحت تأثیر زبانی‏ عامیانه سخن میگفتند.

هرچه بر عمر مدارس ما افزوده شد از دستهء ثانوی کاسته شد و در همان حال‏ جانشینان دستهء اول نیز توانستند بیش‏ازپیش از قیود دشوار ترسل و منشآت مصنوع‏ وقتی آزاد شوند و بزبان سادهء صحیح نزدیک شوند.نتیجهء این تحول تدریجی آن‏ شد که نثر فارسی با وضوح و صراحت تام از قیدها و بندهای سنگینی آزاد گشت و بسادگی و روانی گرائید.

افزایش شمارهء خوانندگان که نتیجهء محسوس توسعهء مدارس جدید در ایرانست‏ باعث شد که ناشران بنشر آثار قدیم نظم و نثر فارسی توجه بیشتری کنند و آثار فصحای پیشین را در میان مردم بصورت شایسته‏یی منتشر سازند.این امر دست یافتن‏ نسلهای اخیر را بگنجینه‏های ادب فارسی که روزی منحصر بطبقهء معینی بود تسهیل کرد بیان مفاهیم مختلف را برای آنان با زبان درست فارسی و کلمات برگزیدهء منتخب‏ آسانتر ساخت.اینست که ما در میان نویسندگان نوسال و جوان خود بکسانی‏ برمیخوریم که غالبا نمونه‏های زیبایی از نثر فارسی ببازار ادب عرضه داشته‏اند.

این مقدمه کوتاه ما را باین نتیجه میرساند که نثر فارسی قاعدة و با تجاربی که‏ در پنجاه سال اخیر حاصل کرده‏ایم باید ازین پس راه ترقی و پیشرفت را طی کند و چنانکه گروهی می‏پندارند بسراشیب انحطاط و سقوط نگراید اما هنوز ما در نیمهء راه‏ هستیم و آنچه تا کنون انجام یافته اندکی از بسیار است نه همهء آنچه در وظیفه ماست.

بعقیدهء من بازگشت معاصران ما بآثار فصحای قدیم هنوز ناتمام و ناپخته‏ است.باید کوشید که از قدرت ترکیبی زبان‏فارسی و از وسعت لغات و مفردات این‏ زبان که واقعا حیرت‏انگیز است برای پاک کردن نثر ما از آلایش زبانهای بیگانه‏ بهرهء بیشتری گرفته شود و در همان حال توجه طبقهء جوان را بآثار فکری ملتهای‏ پیشرفته جهان روزبروز افزایش داد ادای چنین وظیفهء دشواری البته بر عهدهء دبیرستانها و دانشگاههای ماست.هنوز در زبان خو ببسیاری از اصطلاحات و تعبیرات و واژه‏ها حاجت داریم که میتوان با استفاده از گنجینه‏های ادبی ما آنها را بنحو مطلوبی ایجاد کرد و بکار برد.هنوز بسیاری از انواع نثرها و انواع مطالب و موضوعات نثری در ادبیات معاصر ما یا ایجاد نشده و یا چنانکه باید قوت نیافته است.هنوز لغت‏نامه‏ها و دستورهای زبان و کتابهایی که شیوهء انتقاد صحیح ادبی را بجوانان ما بیاموزد در ادب فارسی معاصر بنحوی که مورد آرزوست ایجاد نشده و در دسترس همه قرار نگرفته است.این همه کارهای دشوار باید در مدارس ما انجام گیرد و مسلما فرهنگستان‏ ما که دیر گاهی است اثر وجودی خود را از دست داده است در این راه سمت پیشوایی‏ خود را باید تجدید کند.

من با همهء این کارهای ناتمام بآیندهء زبان و نثر فارسی امیدوارم تا خوانندهء گرامی چه بیندیشد.